

خشونت زدایی و تحمیل صلح جهانی پایدار، از بحث و تبادل نظر در میان ما مردم شروع می شود

در هشتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد، جهان بیش از هر زمان دیگری با خشونت، جنگ و بی ثباتی و بحران های مصنوعی دست به گریبان است. آنچه قرار بود «سازمان ملل متحد» باشد، در عمل به «بی سازمانی دول متخاصم» تبدیل شده است؛ نهادی که نه تنها در مهار تجاوزها به حقوق ناکام مانده، بلکه گاه خود به ابزاری برای تسهیل خشونت گسترده های قدرت ها با مشروعیت بخشیدن و «قانونی» کردن آنها، بدل شده است. وتوی ششمین قطعنامه آتش بس در فلسطین توسط ایالات متحده آمریکا در ده هزارمین جلسه شورای امنیت، که در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵) رخ داد، نمادی آشکار از این ناکارآمدی ساختاری است. در این جلسه، به جز آمریکا، تمامی ۱۴ عضو دیگر شورا به آتش بس رأی مثبت دادند (حتی بدون یک رأی ممتنع)، اما حق وتو بار دیگر منطق، حقوق بشر و اراده جامعه جهانی را به سخره گرفت. این عمل آمریکا، کاملاً «قانونی» بود!

این رویداد تلخ، که انزوای بیشتر آمریکا و افول شتابان آن امپراتوری را به همراه دارد، نشان می دهد که چگونه منافع ملی یک قدرت بزرگ می تواند بر سرنوشت میلیاردها انسان سایه افکند. اکنون شاهدیم که رژیم اسرائیل، یعنی رژیمی را که به اذعان متخصصان نسل کشی، سازمان های حقوق بشری و حتی نهادهای وابسته به سازمان ملل، حداقل چهار ویژگی از پنج ویژگی تعریف شده نسل کشی را مرتکب شده، مصون نگاه دارد. سازمان ملل با ساختار فعلی خود، از جمله حق وتوی پنج قدرت در شورای امنیت، و استقرار مقر آن در نیویورک که به آمریکا دست بالا را می دهد، عملاً به ابزاری برای قلدری و تحمیل منافع قدرت ها، بر ملت ها تبدیل شده است.

امروزه سرنوشت انسان ها در این کره خاکی بیش از همیشه به هم تنیده شده است. بحران های تغییرات اقلیمی، خطر جنگ طلبی و تسلیحات کشتار جمعی، بیماری های همه گیر جهانی (پندمی ها)، و سلطه گرانی اقتصادی و سیاسی، مرزهای ملی را درنور دیده و حیات کل تمدن بشری را تهدید می کنند. در چنین شرایطی، نیاز به یک نهاد بین المللی که بر پایه حقوق ذاتی، جهان شمول و بدون تبعیض عمل کند، بی

ش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این نیاز حیاتی و وجودی، ما را به بازاندیشی در کل نظم جهانی و حرکت به سوی یک انقلاب در ساختارهای بین‌المللی فرا می‌خواند. این انقلاب، بدون منقلب‌تر شدن ما مردم واقعیت پیدا نخواهد کرد. پیش‌نیاز نفی سلطه‌گری توسط قدرت‌ها و دولت‌ها، چیزی به جز نفی سلطه‌پذیری توسط ما مردم و ملت‌ها نیست. بدون بحث و روشن‌گری این مفاهیم در میان ما مردم، طرح راه حل ناممکن است!

مبنای یک شورا و یا کنفدراسیون حقوقی بین‌المللی: جایگزینی برای «سازمان ملل متحد»

برای عبور از این بن‌بست، باید به فکر تأسیس یک «کنفدراسیون بین‌المللی حقوقی» (و یا «شورای بین‌المللی حقوقی») باشیم؛ سازمانی نوین که بر پایه اصول حقوقی و با هدف خشونت زدایی در تمام عرصه‌ها شکل بگیرد. این کنفدراسیون باید بر اصولی استوار باشد که از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری کند. آن اصول، از جمله عبارتند از:

موازنه عدمی (منفی): نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری: راه نجات از مدارهای بسته قدرت، در پیش‌گرفتن اصل «موازنه عدمی» است؛ یعنی خشونت‌زدایی با نفی ورود به توازن قوا. این اصل بر دو پایه استوار است: نفی سلطه‌گری و نفی سلطه‌پذیری. گناه سلطه‌بران، کمتر از گناه سلطه‌گران نیست! زمانی که انسان‌های زیرسلطه، سلطه قدرت‌ها را نپذیرند، سلطه‌گری و سلطه‌گران بی‌اثر می‌شوند. این به معنای احترام متقابل میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها و رفع هرگونه تبعیض است.

رهبری جمعی و نفی هژمونی: مدیریت امور جهانی باید به صورت جمعی و بدون تبعیض صورت گیرد. هرگونه رهبری انحصاری، برتری‌طلبی (هژمونی)، و تمامیت‌خواهی یک یا چند قدرت باید نفی شود. این شامل نفی و ممنوعیت حق وتو برای هر کشوری می‌شود.

عدالت اقتصادی و پولی: سلطه یک ارز خاص مانند دلار، که بدون پشتوانه واقعی در عرصه بین‌المللی، به ابزاری برای تحمیل سیاست‌ها و تحریم‌های یک‌جانبه تبدیل شده، باید پایان یابد. باید برای ایجاد یک ارز دیجیتال بین‌المللی با تضمین‌های کافی برای جلوگیری از پولشویی و خشونت‌های اقتصادی،

مطالعه و اقدام کرد تا دست بانکداران و سیستم‌های مالی که سرنوشت دنیا را تعیین می‌کنند، کوتاه شو
د. اگر عامل تبعیض و برتری‌طلبی و زیاده‌خواهی و... از فعالیت‌هایی چون بریکس حذف نشوند، آن
ها هم خود مبدل به سلطه‌گران جدید خواهند شد.

خشونت‌زدایی در همه قلمروها: خشونت تنها در میدان جنگ فیزیکی رخ نمی‌دهد. تبعیض ریشه خشو
نت است و سلطه‌سالاران برای اعمال انواع تبعیض‌ها، به زور و سرکوب و خشونت و جنگ نیاز دار
ند. بنابراین، خشونت‌زدایی باید در تمامی قلمروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و به‌خصو
ص احساسی-روانی پیگیری شود. تکیه بر جنگ روانی و خشونت‌های احساسی-

روانی از اهمیت خاصی برخوردار است! این امر مستلزم مهار و کنترل صنایع خشونت‌گستری (نظام
ی، انتظامی، امنیتی، اطلاعاتی) است که برای فروش محصولات خود به وجود بی‌ثباتی، بحران، جن
گ، و سرکوب نیازمند هستند.

گسترش دامنه حقوق: تکیه صرف بر «حقوق بشر» که در اعلامیه جهانی آن، منافع قدرت‌های فاتح
جنگ جهانی دوم لحاظ شده، کافی نیست. بسیاری از مفاد این اعلامیه فعلاً می‌توانند قابل ارجاع باشد،
ولی نباید آن‌را یک وحی منزل و یک قانون غیرقابل بهینه‌شدن فرض کرد! ما نیازمند به رسمیت شن
اختن و حفاظت از حداقل هفت نوع حقوق هستیم: حقوق انسان (بشر)، حقوق شهروندی، حقوق ملی،
حقوق طبیعت، حقوق رسانه‌ای، حقوق دیجیتال (حقوق در فضای مجازی) و حقوق هر ملت در عر
صه بین‌الملل.

الزامات ساختاری برای یک صلح پایدار

برای تحقق این چشم‌انداز، اقدامات عملی و مشخصی باید در دستور کار قرار گیرد:

تلاش برای مدیریت قدم‌های استوار به سمت مردم‌سالاری مشاورتی و مشارکتی و مستقیم: هدف نهایی
، رسیدن به یک مردم‌سالاری مشارکتی، مشاورتی و مستقیم است. با استفاده از فناوری‌های نوین مانن
د بلاکچین و... و با پیشرفت آن‌گونه فن‌آوری‌ها و با حقوقی‌تر کردن آن‌ها، کم‌کم می‌توان شرایطی را

فراهم کرد که مردم به جای انتخاب نماینده، ما مردم خود مستقیماً در تصمیم‌گیری‌های کلان، به‌ویژه در مورد جنگ، مشارکت کنیم.

مقابله با جنگ روانی: جنگ روانی مادر همه جنگ‌ها و خشونت‌هایی است که در دنیا شاهد آنها هستیم. باید سازوکاری حقوقی برای راستی‌آزمایی اخبار و اطلاعات، و مقابله با پروپاگاندا، اخبار جعلی و روایت‌سازی‌ها در روایت‌پردازی‌های قدرت‌ها ایجاد شود تا از مغزشویی و «خلق رضایت» در افکار عمومی جلوگیری شود. امکانات رسانه‌ای که «شورای بین‌المللی حقوقی» می‌تواند برای ملت فراهم آورد، در خشونت‌زدایی در سطح کلان بسیار موثر است. شهروندان با احقاق حق آگاهی‌یابی و با احقاق حق آگاهی‌رسانی و با احقاق حق استقلال، احقاق حق صلح و دوستی، می‌توانند سوءاطلاعات، و ضداطلاعات، و جعل خبر و... سایر روشهای پروپاگاندا و مغزشویی و جنگ روانی قدرت‌ها علیه ملت‌ها را خنثی کنند.

خلع سلاح کشتار جمعی: سلاح‌های اتمی، شیمیایی و میکروبی باید به طور کامل از بین بروند؛ نه این که صرفاً از اشاعه آنها جلوگیری شود. در حال حاضر کشورهایی که آن سلاح‌ها را در اختیار دارند، ضمن بازدارندگی بقیه از داشتن آنها، مشغول افزایش اثرات تخریبی کمی و کیفی سلاح‌های خود هستند.

پایان مداخله در امور داخلی کشورها: سیاست‌هایی مانند «تغییر رژیم» که مدت‌های مدیدی است که توسط کشورهای چون آمریکا و بریتانیا دنبال می‌شود، مصداق بارز تجاوز به حقوق ملت‌ها است و باید صریحاً و عملاً ممنوع گردد. هیچ کشوری نباید امنیت خود را با تضعیف و ناامن کردن دیگران تأمین کند.

تمامیت ارضی و یکپارچگی هر کشوری باید توسط سایر کشورها محترم شمرده شود و نباید توسط قدرت‌ها مورد تهدید قرار گیرد. پرورش و مسلح کردن گروه‌ها و اجزای تجزیه‌طلب باید منع قانونی داشته باشد.

تعطیلی پایگاه‌های نظامی و جاسوسی در کشورهای دیگر: حضور پایگاه‌های نظامی کشورهای سلطه گر در خاک دیگر کشورها باید غیرقانونی باشد و پایان یابد.

شفافیت و پاسخگویی: تمامی جلسات نهادهای کنفدراسیون یا شورای بین‌المللی حقوقی ملت‌ها باید به صورت زنده پخش و ضبط شوند. دولت‌های متجاوز به حقوق باید مورد پرسشگری و شفاف‌گردانی و افشاگری قرار گرفته و با اقدامات حقوقی و خشونت‌زدا مواجه شوند.

باید صادقانه به خود تذکر داد و اذعان کرد که هیچ توهمی وجود ندارد که رهبران و قدرت‌سالاران جهان به این نکات گوش فرا دهند. مخاطب اصلی این سخنان، مردم جهان هستند؛ مردمی که زندگی بر ایشان سخت و سخت‌تر شده و حیات انسانی‌شان در خطر است.

«بزرگترین ابرقدرت دنیا»، افکار عمومی است. ضمانت اجرایی این گونه نظرات، خود ما مردم هستیم.

هیچ‌یک از این ایده‌ها بدون حضور مردم در صحنه و فشار مداوم آن‌ها بر قدرت‌ها، ضمانت اجرایی نخواهد داشت. این ما مردم هستیم که باید به توانایی‌های خود آگاه شویم و با مقاومت‌های خشونت‌زدا، سلاح را در دست سرکوبگران بی‌اثر کنیم. درآمیختن جوانان در سراسر این دهکده کوچک جهانی می‌تواند یک مقاومت سامان‌یافته و سازمان‌یافته و جهانی را شکل دهد. به‌خصوص جوانان کشورهای زیرسلطه که خود و یا والدین آن‌ها مجبور به مهاجرت شده‌اند، و ارتباطات ارگانیک با مردم کشورها ی سلطه‌گر و نیز در عین حال با مردم کشورهای زیرسلطه دارند.

جهان در یک نقطه عطف تاریخی قرار دارد. یا به خشونت‌گستری‌های سلطه‌سالاران تن می‌دهیم و شاهد نابودی تدریجی توسط تجاوزها به حقوق طبیعت و محیط زیست، و یا حتی یک نابودی ناگهانی حیات انسانی به‌وسیلهٔ سلاح‌های اتمی خواهیم بود، یا با ایجاد یک جنبش فراگیر و پایدار جهانی، راه را برای برپایی و پویایی یک نظم نوین بر پایه حقوق، عدالت و صلح پایدار هموار می‌کنیم. انتخاب با ما است.

علی صدارت
